

بررسی جزوه «اسرار هزار ساله» علی اکبر حکمی زاده

✦ میثم آقادادی

پس از شهریور ۱۳۳۰، برخی در برابر موج ویرانگر هجوم افکار الحادی و خرده‌گیری‌هایی که به دین می‌شد، برای خلع سلاح کردن مخالفان و پیش دستی بر آنها و جذب جوانان مذهبی مسأله‌دار به سوی خود در یک واکنش دفاعی به نوشتن کتاب‌هایی در بیان ضعف‌های تفکر مذهبی پرداختند تا از موضع مترقیانه‌ای، از دین دفاع کنند. یکی از آنها حکمی زاده (فرزند حاج شیخ مهدی قمی پایین شهری) بود که جزوه اسرار هزار ساله [1] را نوشت.

نویسنده اسرار هزار ساله، طلبة مدرسه علمیه رضویه بود که در آنجا حجره داشت و شیخ مهدی حکمی زاده معروف به آیت الله شیخ مهدی پایین شهری (پدر وی) نیز متصدی مدرسه بود، تنها مدرسه‌ای که پیش از تأسیس حوزه قم، در این شهر به ریاست وی وجود داشت. شیخ مهدی حکمی زاده پایین شهری، دوست آیت الله حائری مؤسس حوزه قم، و از عوامل دعوت ایشان به قم برای تأسیس حوزه بود. حاج شیخ مهدی، شوهر خواهر سید محمود طالقانی بود که او هم در مدرسه رضویه حجره داشت. آقای طالقانی و حکمی زده و آقای بدلا، تشکّل دینی کوچکی را سامان داده و مجله‌ای به نام «همایون» منتشر می‌کردند. مسئول مالی مجله، آقای همایون بود و صاحب امتیاز آن حکمی زاده. علی رغم آنکه مجله، هیأت تحریریه داشت، حکمی زاده به عنوان صاحب امتیاز اعمال نفوذ می‌کرد و مطالبی می‌نوشت که مورد توافق سایرین نبود همین امر منجر به کناره‌گیری آنها گردید و لذا مجله پس از یکسال تعطیل شد.

پدر آقای سید محمود طالقانی، سید ابوالحسن طالقانی نام داشت و جد حکمی زاده بود، ایشان در تهران جلساتی داشت. او عالمی وارسته بود، از وجوه شرعی استفاده نمی‌کرد و با شغل ساعت سازی گذران می‌کرد، چون استفاده از ساعت در آن زمان رایج نبود و افراد متمول و صاحب منصب از آن استفاده می‌کردند و ساعت‌های خود را برای تعمیر، نزد وی می‌آوردند، اجرت خوبی هم می‌پرداختند. سید ابوالحسن طالقانی چون مبالغ زیادی از این رهگذر درآمد داشت اتفاق می‌کرد جلسات تدریس او در منزل حاج عباسقلی بازرگان (پدر مهندس مهدی بازرگان) تشکیل می‌شد که از تجار معتبر بود. برخی افراد مانند کسروی نیز در آن جلسه شرکت می‌کردند که چون از پیش مسأله فکری داشتند بر برخی از افراد کلاس تأثیر نامطلوب می‌گذاشتند. حکمی زاده در آن جلسات با احمد کسروی آشنا شد و گاهی با او به حجره دوستانش در قم (مانند آقای بدلا) می‌رفت که قبلاً در جریان انتشار مجله همایون از حکمی زاده کناره‌جویی کرده بودند. حکمی زاده وقتی در قم زندگی می‌کرد، در مورد اعمال و رفتار خود، بسیار مقید بود و زیر زبانش ریگ می‌گذاشت تا بدون فکر سخنی نگوید و دچار لغوگویی نشود، فردی بسیار متعصب و بدبین بود و خانواده‌اش از این روحیه او به سختی تحت فشار بودند. چندان که وقتی حکمی زاده به سفر می‌رفت، هیچ کس حق تماس گرفتن با خانواده او را نداشت به گونه‌ای که وقتی او در سفر بود، و همسرش باردار بود نتوانسته بود قابله‌ای را با خبر کند و لذا فرزندش از دنیا رفته بود. اما او وقتی به تهران رفت، شاید به خاطر ارتباط با افراد متمول و صاحب منصب یا دوستانی چون کسروی و حضور در محیط بی‌بند و بارانه تهران، روحیه‌اش دگرگون شده و از تفریط به افراط کشیده شده بود. سخنان کفرآمیز می‌گفت و رفت و آمد به خانه‌اش را سخت نمی‌گرفت. روزی دوستش آقای بدلا این همه تغییر را مورد سؤال قرار داد و حکمی زاده گفت:

«در آنجا قم بود و من هم پسر آقای شیخ مهدی حکمی زاده، ولی اینجا تهران است و من هم حکمی زاده‌ام و

رفت و آمد زنان را هم که در خیابان‌های تهران مشاهده می‌کنی» [2]ii

نویسنده جزوه اسرار هزار ساله در چندین جای جزوه، هدف اصلی نگارش آنرا، زدودن انحرافات از جامعه دینی می‌داند و با اشاره به رفتار و اعتقاد دوگانه مردم ایران، سعی در بیان تحریفاتی (که به زعم خود) در دین صورت گرفته است، مینماید. این جزوه در واقع شرح تفصیلی ۱۳ پرسشی است که در آغاز سال ۱۳۲۲ هـ. ش برای روحانیون و اهل اطلاع فرستاده و پاسخ درخواست کرده است، ولی پاسخی نیامده است. [3] البته انجمن تبلیغات اسلامی هم در اردیبهشت ۱۳۲۲ بیان می‌دارد که پاسخ آن را می‌دهد ولی جوابی نمی‌دهد. پس از آن حکمی زاده بر آن شد تا پرسش‌های سیزده گانه را با کمی تغییر، همراه با توضیحاتی در جزوه‌ای منتشر کند. جزوه مذکور در فضایی نوشته شده است که شبهات و حملات افراد مختلفی نظیر احمد کسروی و سنگلجی - که غالباً برگرفته از شبهات اعتقادی وهابیان است - به دین مقدس اسلام رو به فزونی است. شبهات و سؤالاتی که در این جزوه، مطرح شده است، عبارتند از:

«۱- حاجت خواستن از پیغمبر و امام و شفا خواستن از تربت و سجده کردن بر آن و ساختن این گنبد و بارگاه‌ها، شرک هست یا نه؟ اگر هست بگویند و اگر نیست خواهشمند است اول معنای شرک را بیان کنید تا ببینیم آن شرکی که این همه اسلام و قرآن با آن جنگیده، با اینها چه فرق دارد؟ ۲- آیا می‌توانیم به وسیله استخاره یا غیر آن به خدا راه پیدا کنیم و از نیک و بد آینده با خبر شویم یا نه؟ اگر می‌توانیم پس باید از این راه، سودهای خیلی بزرگ مالی و سیاسی و جنگی ببریم و از همه دنیا جلوتر باشیم، پس چرا مطلب، به عکس شده است؟ ۳- اگر امامت اصل چهارم از اصول مذهب است و اگر چنانچه مفسرین گفته‌اند، بیشتر آیات قرآن ناظر به امامت است، چرا خدا چنین اصل مهم را یکبار هم در قرآن صریح نگفت؟ ... ۴- مزد هر کاری بسته است به کوششی که برای آن کار می‌شود و سودی که از آن به دست می‌آید. پس این احادیثی که می‌گویند ثواب یک زیارت یا عزاداری یا مانند آنها برابر است با ثواب هزار پیغمبر یا شهید، (آن هم شهید بدر) درست است یا نه؟ ۵- اینکه می‌گویند مجتهد در زمان غیب [غیبت امام زمان (عج)] نایب امام است، راست است؟ اگر راست است حدودش چیست؟ آیا حکومت و ولایت نیز در آن هست یا نه؟ ۶- اگر روحانی خرج خود را به وسیله کار کردن یا از یک راه ثابت و معین دیگری به دست آورد که در گفتن حقایق آزاد باشد، بهتر است یا مانند امروز خرج خود را بی‌واسطه از دست توده بگیرد و ناچار شود به میل آنها رفتار کند؟ ۷- اینکه می‌گویند دولت، ظلمه است یعنی چه؟ آیا مقصود این است که دولت چون به وظیفه‌اش رفتار نمی‌کند، ظالم است؟ یا مقصود این است که دولت باید به دست مجتهد باشد؟ ۸- اینکه می‌گویند مالیات حرام است یا نه؟ ... ۹- آیا بشر حق دارد برای خود قانون وضع کند یا نه؟ اگر دارد آیا اطاعت چنین قانونی واجب است یا نه؟ ... ۱۰- این مسلم است که هم در قرآن و هم در حدیث ناسخ و منسوخ زیاد است و علت این تغییر هم، البته رعایت اقتضای زمان است. حال در جایی که در یک محیط آن هم در یک زمان کمی، قانون برای رعایت زمان عوض شود، آیا ممکن است در همه روی زمین، تا آخر دنیا عوض نشود؟ بعلاوه اینکه می‌گویند همه قوانین اسلام برای همیشه است؟ ... ۱۱- چنانچه گفته‌اند، این احادیثی که امروز در دست ماست، ظنی است و عقل هم این را نمی‌پذیرد که خدای عادل و قادر، اشرف مخلوقات خود را به چیزی امر کند و راه علم به آن را هم بر رویش ببندد. ۱۲- احادیث بسیاری رسیده که با علم و عقل و زندگی و بلکه گاهی با حس نمی‌سازد و در عین حال، سندشان هم صحیح است، مانند احادیث گاو، ماهی، جابلقا ... اینها را چه باید کرد؟ ۱۳- به نظر شما علت اینکه امروز، مردم به دین بی‌علاقه شده‌اند، چیست؟»

اگر چه جزوه مذکور حاوی این سؤالات مبنایی در آخر آن می‌باشد، لکن نویسنده، در جای جای اثر خود و به مناسبت‌های مختلف، اعتقادات شیعه را به باد تمسخر می‌گیرد و به بهانه زدودن انحرافات و تحریفات در دین اسلام، منکر بسیاری از حقایق مکتب تشیع شده است. جزوه مذکور در ۶ گفتار تنظیم شده است که عبارتند از: توحید،

امامت، روحانی، حکومت، و حدیث. مشکل بودن پاسخ دادن کامل و تخصصی به این سؤالات و شبهات و نیز فضای نامناسب تاریخی دهه ۱۳۲۰ که اشاره شد، از جمله دلایل ترس از جوابگویی بوده است.

به اذعان حکمی زاده کسی به پرسشهای او جواب نداده است و لذا بر آن شده است که سؤالات خود را با کمی توضیح، منتشر کند. [4]iv ظاهراً به غیر از امام خمینی (ره) - با وجود درد چشمی که داشتند - کسی حاضر به نوشتن ردیه علیه این جزوه برنیامده است و تنها امام خمینی با تعطیل کردن تقریباً ۲ ماه از تدریس خود، به جواب گویی آن همت می‌گمارد. البته آقای باقی می‌گوید: افراد متعدد از جمله برخی از ائمه جماعات به پاسخ گویی پرداختند. این پاسخ‌ها چندان ضعیف و غیر منطقی بود که خود موجب شبهات و تشتت افکار می‌گردید. یکی از کسانی که پاسخی نوشته و برای چاپ به قم فرستاده بود، حاج شیخ محمد خالصی فرزند آقا شیخ مهدی خالصی بود که (جزو مراجع نجف به شمار می‌رفت و در جریان مبارزه علیه انگلیسی‌ها به همراه آقایان سید ابوالحسن اصفهانی و نایینی و ... به ایران تبعید شده بودند) در کاشان به سر می‌برد وقتی به امام توسط برخی از دوستانش پیشنهاد نوشتن ردیه می‌شود، همه کارها را تعطیل می‌کند و یکسره به نوشتن آن می‌پردازد و چون آن را به مجمع ارائه داد، همگان آن را پسندیدند و قرار شد از چاپ سایر کتب جلوگیری شود تا تشتت بیشتر افکار نگردد و فقط این جوابیه منتشر گردد.

۱-۲. توضیح محتوایی جزوه: در مورد وجه تسمیه و علت نام‌گذاری جزوه به (اسرار هزارساله)، حکمی زاده بیان می‌کند: «می‌گویند هر که را اسرار حق آموختند، مهر کردند و زبانش دوختند» می‌گویم این چگونه اسراری است که تنها به مردمان زود باور و بی‌سواد حق دارید بگویند و نشان دهید ولی پای مردمان دقیق و کنجکاو که به میان می‌آید، انگار جزء اسرار می‌شود. اگر سر است به هیچ کس نباید گفت و اگر نیست، باری یکبار آن را در چنین مجلسی آشکار کنید» [5]v در واقع نویسنده بصورت کنایه‌ای بیان می‌کند که بسیاری از دستورات مذهبی به مثابه خرافات هزار ساله جلوه کرده است و او خواسته است که راه حلی برای آن بیابد. در جای دیگر، نویسنده به علت آن اشاره می‌کند و می‌گوید:

ملا اگر از قطع نان خود نمی‌ترسید، این اسرار در پشت پرده نمی‌ماند. [6]vi وی کتاب خود را کتابی می‌داند که کلمه‌ای برخلاف حقیقت ننوشته است و خیلی از گفتنی‌ها را هم نگفته است. [7]vii وی معتقد است، آن چیزی که مردم نام دین بر آن نهاده‌اند، ۹۵ درصدش گمراهی است و با این پیش فرض در چند جای جزوه با اشاره به تحریفاتی که در دین اسلام شده است، سعی در تشریح آنها می‌نماید. وی می‌گوید مسلمانان به محتوای دین واقعی عمل نمی‌کنند ولی ادعای مسلمانی دارند و در واقع رفتار و اعتقاد مردم ایران، دوگانه است؛ لذا اولین کمک به دین، از بین بردن، دروغهایی هزارساله است. روش وی در این گفتار بدین نحو است که ابتدا شبهه را مطرح می‌کند و سپس جواب‌هایی به غلط از جانب متدینین مطرح می‌نماید و بصورت پرسش و پاسخی خواننده را مجذوب نوشته خود می‌کند. وی احادیثی از کتب روایی بدون تحلیل و بررسی و منبع ذکر می‌کند. در «گفتار یکم: خدا» موضوعات زیرا را بررسی می‌کند: تفویض اختیار به امامان و امام زادگان در دین، شرک خواندن اعتقادات وارد در زیارت جامعه کبیره و حمله به مجلسی و کتب اربعه شیعه، تعریف شرک و به زعم خود، غیب ندانستن پیغمبر، نفی شفا بودن تربت امام حسین و تمسخر آن، نفی گنبد و بارگاه، حمله به عدل الهی، نفی ثواب و عزاداری، تمسخر استخاره، نفی ضریح ساختن بر قبور ائمه، رد کردن خمس و زکات، تفکیک راه خدا از کار خدا، رد تقلید جاهل از عالم، بیان دلبستگی به خرافات به عنوان علت عقب ماندگی ایرانیان.

در گفتار دوم، درباب امامت به مباحث ذیل می‌پردازد: رد بالاتر بودن مقام امامت از نبوت، رد مصحف فاطمی، توهین به حضرت علی(ع) و عدم درک علت نیامدن اسامی ائمه در قرآن، رد باب الحوائج بودن ائمه و شفا دادن آنها، رد امامت در غیر زمان خودشان، توهین غیر مستقیم به مردم. در گفتار سوم، درباب روحانی به این مباحث می‌پردازد: رد جانشینی فقیه در زمان غیبت، انکار تقلید از مجتهد زنده، حمله به دسته‌های عزاداری امام حسین، پیشنهاد صرف قسمتی از موقوفات در راه خرجی حوزه، اذعان به اینکه دولت نباید در کار روحانیت دخالت کند، تمسخر احکام آب و طهارت، انتقاد از عوام به خاطر بستن چشم و گوششان. در گفتار چهارم، درباب حکومت می‌گوید: اسلام برای حکومت، هیچ دستوری ندارد، هم چنین: انتساب حدیث (کل رایة ترفع قبل ...) به دین بدون توضیح صحیح آن، رد استحباب زیارت، تفسیر اشتباه از خمس و توهین به امام زمان، بت خانه خواندن حرم حضرت معصومه در قم، گدا پروری خواندن در اختصاص خمس به سهم سادات، رد ادعاهای اسلام مبنی بر اداره کردن جهان، توهین به زائران، تعریف از فروش اوقاف رضا شاه. در گفتار پنجم، درباب قانون ادعا می‌کند: قانون شرع همه احتیاجات امروزی ما را پاسخگو نیست و در گفتار ششم، درباب حدیث، بدون آگاهی صحیح، به تقسیم‌بندی احادیث می‌پردازد و بسیاری از آنها را رد می‌کند.

پی نوشتها

viii [1] حکمی زاده، علی اکبر، (۱۳۲۲) «اسرار هزار ساله»، هفته نامه پرچم، تهران، شماره ۱۲، قابل دسترسی در سایت:

www. Talash – online. Com

ix [2] باقی، عماد الدین، خرداد ۱۳۸۷ «اسرار کشف اسرار»، ماهنامه شهروند امروز، ش ۴۹ - ص ۵۵ قابل دسترسی در سایت: www. shahrandemronz. Com

x [3] حکمی زاده، ۱۳۲۲، ص ۴۷

xi [4] همان، ص ۴۷

xii [5] همان، ص ۱۱

xiii [6] همان، ص ۲۵

xiv [7] همان، ص ۲۲
